بسم الله الرحمن الرحیم

روش تفسیر قرآن

محمود رجبی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹٤

رجبی، محمود، ۱۳۳۰ـ
روش تفسیر قرآن / محمود رجبی. ــ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
شانزده، ۳۰۳ ص. ـ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۹۰: علوم قرآنی؛ ۴)
ISBN: 978-964-7788-31-1 بها: ۲۲۰۰۰ ریال
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۲۸۱] ـ ۲۸۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
چ.۲: ۱۳۸۵. چ.۳: ۱۳۸۷. چ.۴: ۱۳۹۰. چ.۵: ۱۳۹۱. چ۶: ۱۳۹۳، چ۷: ۱۳۹۴، بها: ۱۱۸۰۰۰ ریال.
۱. تفسیر ــ فن ــ راهنمای آموزشی. ۲. قرآن ــ علوم قرآنی. الف. پژوهشگاه. ب. عنوان.
۹ ر ۳ ر / BP ۹۱ ۲۹۷ / ۱۷۱
شماره کتابشناسی ملی ۳۱۹۵۴ـ۸۳م

روش تفسیر قرآن
مؤلف: محمود رجبی
ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
صفحه‌آرایی: کاما
چاپ هفتم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ ششم: پاییز ۱۳۹۳)
تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم ـ جعفری
قیمت: ۱۱۸۰۰ تومان

کلیهٔ حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ▣ تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ (۰۲۵) انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰
نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱ ـ ۳۷۱۸۵ □ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو ▣ تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ ـ ۰۲۱
Website: www.rihu.ac.ir Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلّفهٔ فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینهٔ شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همّت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسهٔ پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر، به عنوان متن درسی برای دانشجویان رشته‌های علوم قرآنی و حدیث در مقطع کارشناسی ارشد تهیه شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با انتقادها و پیشنهادهای خود، این پژوهشگاه را در بالا بردن سطح علمی پژوهش‌ها و عرضهٔ هرچه بهتر کتاب‌ها و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی و علمی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از حجت‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی که تدوین این اثر مرهون تلاش عالمانهٔ ایشان بوده و نیز از حجج اسلام آقایان علی‌اکبر بابایی، غلامعلی عزیزی‌کیا و مجتبی روحانی‌راد که در تهیه فصول مختلف کتاب در قالب پیشین تحت عنوان روش‌شناسی تفسیر قرآن تحت نظارت مؤلف این اثر سهیم بوده‌اند قدردانی و سپاسگزاری نماید.

بسم الله الرحمن الرحیم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نـرم‌افـزاری فـرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش‌مند از رفتارها، باورها، نگـرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصادیق یـقینی آن فـلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، عـلوم تـربیتی، عـلوم اقـتصادی، عـلوم سـیاسی، مـدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی(ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب(مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک‌سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگرسو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از ایـن جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و در یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسـلامی از بـنیان‌های تـمدنی غـنی و تـوانـمندی‌های فـراوانـی در درون و بـرون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. بـه پشتوانه چنین میراث گران‌قدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با حمایت معاونت آمـوزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کـه رسـالت و تکـلیف اصـلی آن تـلاش بـرای تـعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌هـای انسـانی اسـلامی و تـطبیق هـرچـه بـیشتر رشـته‌ها و

درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است.

از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فهرست مطالب

مقدمه ۱
کلیات ۲

درس اول: تفسیر و تأویل ۵
۱. مفهوم لغوی و کاربرد قرآنی تفسیر ۶
۲. معنای اصطلاحی تفسیر ۷
۳. تعریف پیشنهادی ۹
۴. معنای لغوی تأویل ۱۰
۵. کاربردهای تأویل در قرآن ۱۱
۶. تفاوت تفسیر و تأویل ۱۴
۶ـ۱. فرق واژه‌های تفسیر و تأویل ۱۴
۶ـ۲. فرق تفسیر قرآن و تأویل قرآن ۱۵
○ چکیده ۱۶
○ خودآزمایی ۱۷
○ برای مطالعه بیشتر ۱۷

درس دوم: امکان و جواز تفسیر ۱۹
۱. نیازمندی به تفسیر ۲۰
۲. عوامل نیازمندی به تفسیر ۲۰
۲ـ۱. ناآگاهی از مفاد واژگان قرآنی ۲۱
۲ـ۲. ناآگاهی از فضای نزول ۲۱
۲ـ۳. ناآگاهی از قواعد ادبیات عرب ۲۲

۲ـ۴. ناآگاهی از قرینه‌ها ۲۲
۲ـ۵. ویژگی‌های قرآن کریم ۲۳
۲ـ۶. فاصله زمانی با زمان نزول ۲۳
۳. امکان تفسیر ۲۴
۳ـ۱. دلایل امکان تفسیر ۲۴
۱. تحدّی به قرآن ۲۴
۲. اوصاف قرآن ۲۴
۳. اهداف نزول قرآن ۲۵
۴. معیار و محک بودن قرآن ۲۵
۵. رعایت روشن عقلایی گفتگو ۲۵
۳ـ۲. دلایل عدم امکان تفسیر ۲۵
الف) تشابه آیات ۲۵
ب) دور از دسترس عقل بودن تفسیر ۲۸
ج) تعالی محتوای قرآن ۲۹
۴. جواز تفسیر ۳۰
دلایل عدم جواز تفسیر ۳۰
۱. عدم امکان تفسیر ۳۰
۲. نکوهشِ پیروی کردن از گمان ۳۰
۳. نکوهش از پی‌جویی تأویل ۳۱
۴. نکوهش از تفسیر به رأی ۳۲
○ چکیده ۳۴
○ خودآزمایی ۳۵
○ برای مطالعه بیشتر ۳۵

درس سوم: شناخت قرائت واقعی قرآن ۳۷
۱. قرائت واقعی و لزوم در نظر گرفتن آن ۳۸
۲. راه دستیابی به قرائت واقعی ۳۸
۲ـ۱. سیرهٔ عملی مسلمانان ۳۸
۲ـ۲. شهرت یک قرائت ۳۹
۲ـ۳. نقل متواتر یک قرائت ۳۹
۲ـ۴. شهرت قرائت در صدر اسلام ۴۰
۲ـ۵. سازگاری با مسلمات ادبی، نقلی و عقلی ۴۰
۳. تلاش‌های نافرجام ۴۱

۳ـ۱. تواتر قرائت‌های هفت‌گانه ۴۱
۳ـ۲. تواتر قرائت کنونی ۴۳
۴. بررسی و نتیجه‌گیری ۴۴
○ چکیده ۴۶
○ خودآزمایی ۴۷
○ برای مطالعه بیشتر ۴۷

درس چهارم: شناخت مفاهیم کلمات ۴۹
۱. ضرورت آگاهی از مفاد واژگان قرآن ۵۰
۲. اصول دستیابی به مفاد واژگان قرآن ۵۰
۲ـ۱. به دست آوردن معانی واژه‌ها با توجه به فرهنگ زمان نزول ۵۰
۲ـ۱ـ۱. تحول تئوری‌ها و فهم مفردات قرآن ۵۱
۲ـ۱ـ۲. نقد تأثیر تئوری‌ها در تحول معانی واژه‌ها ۵۲
۲ـ۱ـ۳. تمایز قرآن و متون بشری ۵۴
۲ـ۲. اکتفا نکردن به معانی ارتکازی ۵۷
۲ـ۳. در نظر گرفتن همهٔ معانی ۵۸
۲ـ۴. فرق نهادن میان معانی حقیقی و مجازی ۵۸
۲ـ۵. حقیقت قرآنی ۵۸
۳. حمل لفظ بر معناهای گوناگون ۶۰
○ چکیده ۶۲
○ خودآزمایی ۶۳
○ برای مطالعه بیشتر ۶۴

درس پنجم: آگاهی از زبان قرآن و قواعد ادبیات عرب در تفسیر ۶۵
۱. زبان قرآن ۶۶
۱ـ۱. واژه‌های دخیل و نقش آن در تفسیر ۶۹
۱ـ۲. مراجعه به زبان مرجع در واژه‌های دخیل ۷۱
۲. نقش قواعد ادبیات عرب در تفسیر ۷۱
۲ـ۱. راه دستیابی به فصیح‌ترین قالب‌های ساختاری ۷۳
۲ـ۲. قرآن و اعتبار قواعد ادبی ۷۴
○ چکیده ۷۴
○ خودآزمایی ۷۵
○ برای مطالعه بیشتر ۷۵

درس ششم: توجه به قراین ۷۷
۱. مقصود از قراین ۷۷
۲. دلیل لزوم توجه به قراین ۷۸
۳. اقسام قرینه‌ها ۷۸
۴. موارد کاربرد قراین معینه و صارفه ۷۹
۴ـ۱. الفاظ مشترک ۷۹
۴ـ۲. ایجاز ۸۰
۴ـ۳. اضمار ۸۱
۴ـ۴. مجاز ۸۲
۴ـ۵. کنایه ۸۳
۵. قراین پیوسته لفظی ۸۴
۵ـ۱. سیاق ۸۵
۵ـ۱ـ۱. اهمیت نقش سیاق از دیدگاه دانشمندان ۸۶
۵ـ۱ـ۲. ملاک قرینه بودن سیاق ۸۸
○ چکیده ۸۹
○ خودآزمایی ۹۰
○ برای مطالعه بیشتر ۹۰
○ برای پژوهش ۹۱

درس هفتم: سیاق ۹۳
۱. انواع سیاق ۹۳
۱ـ۱. سیاق کلمات ۹۴
۱ـ۲. سیاق جمله‌ها ۹۵
۱ـ۳. سیاق آیات ۹۶
۱ـ۴. سیاق سوره‌ها ۹۶
۲. پراکندگی در نزول آیات ۹۷
۳. شرایط تحقق سیاق ۱۰۰
۳ـ۱. ارتباط صدوری یا پیوستگی در نزول ۱۰۰
۳ـ۲. ارتباط موضوعی ۱۰۱
۴. راه‌های شناخت سیاق ۱۰۲
۵. سیاق مشکوک ۱۰۳
۶. اصالت سیاق ۱۰۳
۶ـ۱. توقیفی بودن ترتیب آیات ۱۰۴

۶ـ۲. تأیید و تشویق رجوع کردن به قرآن کنونی ۱۰۵
۶ـ۳. اصل رعایت ترتیب نزول ۱۰۶
○ چکیده ۱۰۷
○ خودآزمایی ۱۰۷
○ برای مطالعه بیشتر ۱۰۸
○ برای پژوهش ۱۰۸

درس هشتم: قراین پیوسته غیر لفظی (۱)؛ فضای نزول ۱۰۹
۱. سبب نزول ۱۱۰
۲. شأن نزول ۱۱۲
قرینه بودن شأن نزول ۱۱۴
۳. فرهنگ زمان نزول ۱۱۵
۴. زمان و مکان نزول ۱۱۶
لزوم بررسی موارد فضای نزول ۱۱۷
۵. مخصّص نبودن فضای نزول ۱۱۷
○ چکیده ۱۱۸
○ خودآزمایی ۱۱۹
○ برای مطالعه بیشتر ۱۱۹
○ برای پژوهش ۱۲۰

درس نهم: قراین پیوسته غیر لفظی (۲)؛ فضای سخن ۱۲۱
۱. ویژگی‌های گوینده سخن ۱۲۲
۱ـ۱. حدود ویژگی‌های اثرگذار گوینده سخن در فهم کلام ۱۲۴
۱ـ۲. نتیجه‌گیری نادرست ۱۲۵
۲. ویژگی‌های مخاطب ۱۲۶
۳. ویژگی‌های موضوع سخن ۱۲۸
۴. «مقام» سخن ۱۲۹
۵. لحن کلام ۱۳۰
۶. معرفت‌های بدیهی و برهان قطعی آشکار ۱۳۱
۶ـ۱. شرط لازم، نه کافی بودن معرفت‌های بدیهی ۱۳۳
۶ـ۲. قرینه ناپیوسته بودن برهان‌های عقلی ۱۳۴
۶ـ۳. قرینه نبودن برهان‌های عقلی غیر آشکار و ظنی ۱۳۵
○ چکیده ۱۳۵

○ خودآزمایی ۱۳۶
○ برای مطالعه بیشتر ۱۳۶
○ برای پژوهش ۱۳۷

درس دهم: قراین ناپیوسته؛ قرآن، روایات و مسلّمات دینی ۱۳۹
۱. آیات دیگر قرآن ۱۴۰
۲. روایات ۱۴۲
۲ـ۱. دلایل قرینه بودن روایات ۱۴۲
۲ـ۱ـ۱. اصول عقلایی محاوره ۱۴۲
۲ـ۱ـ۲. دلیل قرآنی ۱۴۴
۲ـ۱ـ۳. دلیل روایی ۱۴۶
۳. اجماع و ضروری دین و مذهب ۱۴۸
○ چکیده ۱۵۰
○ خودآزمایی ۱۵۰
○ برای مطالعه بیشتر ۱۵۱
○ برای پژوهش ۱۵۱

درس یازدهم: مبنا قرار دادن «علم» و «علمی» ۱۵۳
۱. مصادیق علم و علمی ۱۵۶
۱ـ۱. نصوص و ظواهر آیات ۱۵۶
۱ـ۲. نصوص و ظواهر روایات ۱۵۸
۱ـ۲ـ۱. روایات متواتر یا محفوف به قراین قطعی ۱۵۹
۱ـ۲ـ۲. روایات آحاد معتبر ۱۵۹
۱ـ۳. اخبار تاریخی ۱۶۲
۱ـ۴. روایات و آرای صحابیان و تابعان ۱۶۳
۱ـ۵. آرای مفسران ۱۶۵
۱ـ۶. اقوال لغت‌شناسان ۱۶۶
الف) دلایل اعتبار اقوال لغت‌شناسان ۱۶۶
ب) بررسی دلایل عدم اعتبار قول لغت‌شناسان ۱۶۸
○ چکیده ۱۷۵
○ خودآزمایی ۱۷۶
○ برای مطالعه بیشتر ۱۷۶
○ برای پژوهش ۱۷۶

درس دوازدهم: در نظر گرفتن انواع دلالت‌ها ۱۷۷
۱. دلالت و انواع آن ۱۷۸
۱ـ۱. دلالت اقتضا ۱۷۹
۱ـ۲. دلالت تنبیه و ایما ۱۸۰
۱ـ۳. دلالت اشاره ۱۸۰
۱ـ۴. دلالت مفهومی کلام ۱۸۲
۲. لزوم توجه به اقسام دلالت‌ها در تفسیر ۱۸۳
۳. خودداری از پرداختن به معانی بطنی ۱۸۳
○ چکیده ۱۸۷
○ خودآزمایی ۱۸۸
○ برای مطالعه بیشتر ۱۸۸
○ برای پژوهش ۱۹۰

درس سیزدهم: منابع تفسیر (۱) ۱۹۱
۱. تعریف و جایگاه منابع تفسیر ۱۹۲
۲. ضرورت شناخت منابع تفسیر ۱۹۳
۳. انواع منابع تفسیر ۱۹۳
۳ـ۱. آیات قرآن ۱۹۳
۳ـ۱ـ۱. دلیل منبع بودن قرآن ۱۹۴
۳ـ۱ـ۲. پیشینه مراجعه به قرآن در تفسیر ۱۹۴
۳ـ۱ـ۳. موارد استفاده از قرآن به عنوان منبع تفسیر ۱۹۷
○ چکیده ۲۰۲
○ خودآزمایی ۲۰۳
○ برای مطالعه بیشتر ۲۰۳

درس چهاردهم: منابع تفسیر (۲) ۲۰۵
۱. روایات معصومان علیهم‌السلام ۲۰۵
۱ـ۲. دلیل منبع بودن روایات ۲۰۵
۱ـ۳. انواع روایات تفسیری ۲۰۶
الف) روایات بیانگر معانی واژگان ۲۰۶
ب) روایات بیانگر مصداق‌های واژگان قرآنی ۲۰۷
ج) روایات بیانگر مفاد آیات ۲۰۸
د) روایات بیانگر بطن ۲۰۹

۲. منابع لغوی ۲۱۰
۲ـ۱. انواع منابع لغوی ۲۱۱
الف) قرآن کریم ۲۱۱
ب) روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام ۲۱۱
ج) فرهنگ زمان نزول ۲۱۲
د) سخنان صحابیان ۲۱۳
ه) فرهنگ‌های واژگان عربی ۲۱۳
و) فرهنگ‌های ویژهٔ واژگان قرآن ۲۱۴
۲ـ۲. شرایط و معیارهای اعتبار فرهنگ‌های واژه‌شناسی ۲۱۵
۳. منابع تاریخی ۲۱۵
۳ـ۱. موارد بهره‌گیری از نقل‌های تاریخی ۲۱۶
الف) پیامبران گذشته و امت‌های پیشین ۲۱۶
ب) جامعه جاهلی پیش از اسلام ۲۱۷
ج) پیامبر اسلام و جامعه اسلامی ۲۱۷
۳ـ۲. شرایط اعتبار منابع تاریخی ۲۱۸
الف) اعتبار نویسنده و قدمت اثر ۲۱۸
ب) سازگاری با قرآن و داده‌های مسلم عقلی ۲۱۸
ج) سازگاری با شخصیت و سیرهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ۲۱۹
د) اثرناپذیری از گرایش‌های سیاسی و فرقه‌ای راویان ۲۱۹
۴. عقل ۲۲۰
۴ـ۱. نقش‌های مختلف عقل به عنوان منبع تفسیر ۲۲۰
الف) قرینه حمل آیه برخلاف ظاهر ۲۲۰
ب) نقش تبیینی و توضیحی ۲۲۱
ج) کشف استلزامات ۲۲۲
۵. دستاوردهای تجربی ۲۲۳
○ چکیده ۲۲۴
○ خودآزمایی ۲۲۵
○ برای مطالعه بیشتر ۲۲۵

درس پانزدهم: علوم مورد نیاز مفسر (۱) ۲۲۷
۱. ضرورت بحث ۲۲۸
۲. تفاوت «علوم مورد نیاز» با «منابع تفسیر» ۲۲۸
۳. علل پیدایش علوم مورد نیاز و دلایل نیازمندی به آنها ۲۲۹

۳ـ۱. لزوم شناسایی و ثبت قراین زمان نزول ۲۳۰
۳ـ۲. ارتباط مسلمانان با بیگانگان ۲۳۰
۳ـ۳. گریز از «تفسیر به رأی» ۲۳۲
۳ـ۴. اشتمال قرآن بر مباحث عقلی و تجربی ۲۳۳
۴. انواع و تعداد علوم مورد نیاز ۲۳۳
۵. حدود آگاهی مفسر از علوم مورد نیاز ۲۳۴
○ چکیده ۲۳۶
○ خودآزمایی ۲۳۶
○ برای مطالعه بیشتر ۲۳۶

درس شانزدهم: علوم مورد نیاز مفسر (۲) ۲۳۹
۱. اقسام علوم مورد نیاز مفسر ۲۳۹
۱ـ۱. علوم ادبی ۲۳۹
الف) علم لغت ۲۴۰
ب) علم صَرف ۲۴۲
ج) علم نحو ۲۴۵
د) علوم بلاغی و راز نیازمندی به آن در تفسیر ۲۴۷
○ چکیده ۲۴۹
○ خودآزمایی ۲۴۹
○ برای مطالعه بیشتر ۲۴۹

درس هفدهم: علوم مورد نیاز مفسر (۳) ۲۵۱
۱. علوم قرآنی ۲۵۲
الف) محکم و متشابه ۲۵۲
ب) وجوه اعجاز قرآن ۲۵۳
ج) جامعیت قرآن ۲۵۴
۲. علم قرائت ۲۵۵
الف) علت نیازمندی به علم قرائت ۲۵۵
۳. علم رجال و درایه و دلیل نیازمندی به آنها در تفسیر ۲۵۶
۴. علوم تجربی طبیعی ۲۵۷
الف) دلیل نیاز به علوم تجربی ۲۵۷
۵. علوم انسانی ۲۵۹
الف) دلیل نیاز به علوم انسانی ۲۶۰

ب) زمینه‌های بهره‌گیری از علوم انسانی در تفسیر ۲۶۰
○ چکیده ۲۶۲
○ خودآزمایی ۲۶۳
○ برای مطالعه بیشتر ۲۶۳
○ برای پژوهش ۲۶۳

درس هجدهم: شرایط مفسر ۲۶۵
۱. تعریف و انواع دسته‌بندی‌های شرایط مفسر ۲۶۶
۲. ویژگی‌ها و شرایط ذاتی ۲۶۷
۳. ویژگی‌های اکتسابی ۲۶۸
۳ـ۱. بینش‌ها و شناخت‌ها ۲۶۸
۳ـ۱ـ۱. آگاهی‌های کلانِ ناظر به قرآن کریم ۲۶۹
۳ـ۱ـ۲. آگاهی از قواعد، منابع و علوم ابزاری ۲۶۹
۳ـ۱ـ۳. آگاهی از فضای نزول و شناخت موضوع‌های قرآنی ۲۶۹
۳ـ۱ـ۴. انباشتگی پرسش‌ها و استنطاق ۲۷۰
۳ـ۲. مهارت‌ها ۲۷۱
۳ـ۳. حالت‌ها و روحیه‌ها ۲۷۲
۳ـ۴. ایمان و فضایل اخلاقی ۲۷۳
۳ـ۵. رفتارها ۲۷۴
۳ـ۶. طهارت نفسانی و علم‌الموهبه ۲۷۶
○ چکیده ۲۷۸
○ خودآزمایی ۲۷۹
○ برای مطالعه بیشتر ۲۷۹

منابع و مآخذ ۲۸۱

نمایه آیات ۲۸۹
نمایه روایات ۲۹۹
نمایه اعلام ۳۰۱
نمایه مکان‌ها ۳۰۳

مقدمه

«كِتَـابٌ أَنـزَلْنَـهُ إِلَـيْكَ مُـبَـرَكٌ لِّـيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَـتِهِ؛[1] [ایـن] کـتابی است پـربرکت کـه بـه سـوی تـو فروفرستادیم تا[مردم] در آیات آن بیندیشند».

قــرآن مــجید، یگـانه کـتاب آسـمانی مـصون‌مانده از تـحریف است کـه جـامع‌ترین و استوارترین آموزه‌های وحیانی را در اختیار بشر قرار می‌دهد. دستیابی صحیح و روشمند به آموزه‌های این کتاب بزرگ، به‌ویژه با توجه به بیان دقیق و خـارق‌العـاده آن، روش‌شـناسی خاص خود را می‌طلبد و شناخت لغزشگاه‌ها و پیشگیری از تحریف معنوی و برداشت‌های سطحی از این کتاب گران‌سنگ، بستگی کامل به تعریف و تبیین دقیق و عمیق مبانی و روش فهم و تفسیر آن دارد.

هرچند قرآن‌پژوهان و دانشمندان علم اصـول، از گـذشته تـاکـنون، تـلاش‌های درخـور تحسینی در زمینه تفسیر و قواعد فهم قرآن انجام داده‌اند، ولی تاکنون در راستای تألیف یک متن درسی در زمینه روش تفسیر، تلاش شایانی صورت نگرفته است؛ از این‌رو، تدوین یک متن آموزشی پیراسته، جامع و دارای معیارهای متون آموزشی در این زمینه ضرورت دارد.

تدوین چنین کتابی، افزون بر آنکه به‌خودی‌خود، به دلیل پـرکردن ایـن خـلأ ارزشـمند است، قرآن‌پژوهان را با شیوه درست، دقیق و روزآمد فـهم قـرآن آشـنا مـی‌سازد و تـلاش تفسیری قرآن‌پژوهان بزرگ را کالبدشکافی و تحلیل می‌کند و بر درستی آن دلیل می‌آورد. همچنین لغزشگاه‌ها و موارد ضعف تلاش‌های تفسیری را روشن نموده و راهکار شناسایی مغلطه‌کاری‌های تحریف‌گران آموزه‌های این کتاب آسمانی را نشان مـی‌دهد. بـا تـوجه بـه

---

۱. سوره ص، ۲۹.

دلایل یادشده، گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پس از تدوین کتاب روش‌شناسی تفسیر قرآن، تدوین کتاب درسی روش تفسیر قرآن را در اولویت برنامه‌های خویش قرار داد و متن حاضر را که نگارشی نوین به همراه تهذیب، تصحیح و تکمیل کتاب پیشین است، فراهم آورد.

این کتاب که دربردارندهٔ مهم‌ترین محورهای روش تفسیر است، بخش میانی از سه حوزه اساسی روش‌شناسی تفسیر به شمار می‌آید. در مرحله متقدم بر مباحث این کتاب، مسائل سرنوشت‌سازِ «مبانی تفسیر» و در مرحله متأخر از آن، مبحث مهم و کاربردی «شیوه و مراحل تفسیر» قرار دارد که پژوهش یا پژوهش‌های دیگری را می‌طلبد.

کتاب دارای پنج محور اصلی «کلیات»، «قواعد تفسیر»، «منابع تفسیر»، «علوم مورد نیاز در تفسیر» و «شرایط مفسر» است.

کلیات

کلیات دربردارنده برخی مبادی تصوری و تصدیقی روش تفسیر است.

«قواعد تفسیر» به ضوابط کلی‌ای اطلاق می‌شود که مفسر در تلاش تفسیری خویش باید آنها را رعایت کند و در چارچوب آنها به تفسیر بپردازد.

«منابع تفسیر» اسناد و مدارکی هستند که دارای داده‌هایی مربوط به موضوعی از موضوعات مطرح‌شده در آیات هستند و آگاهی از آنها، در فهم بهتر آیات اثرگذار است.

«علوم مورد نیاز در تفسیر» به منظومه‌های معرفتی خاصی اشاره دارند که دربردارنده قواعد و معیارهای ارزیابی منابع و داده‌های دریافت‌شده از آنها هستند.

و «شرایط مفسر» نیز ناظر به توانمندی‌های فکری و روحی و مهارت‌ها و دیگر ویژگی‌هایی هستند که مفسر قرآن باید آنها را داشته باشد.

این محورهای پنج‌گانه در هجده درس تنظیم یافته‌اند:

دو درس نخست، که محور اول را پوشش می‌دهند، «مفهوم‌شناسی تفسیر، بطن و تأویل»، «تفاوت و تمایز تفسیر با بطن و تأویل»، «علل نیازمندی به تفسیر» و «امکان و جواز تفسیر» را بررسی می‌کنند. پس از آن در درس سوم از لزوم شناخت قرائت واقعی قرآن که یکی از مبادی قواعد تفسیری است، سخن به میان آمده است.

درس‌های چهارم تا دوازدهم که به پنج قاعده اساسی در تفسیر قرآن، یعنی: «توجه به مفاهیم کلمات در زمان نزول»، «در نظر گرفتن قواعد ادبیات عرب»، «در نظر قرار دادن

مجموعهٔ قراین»، «مبنا قرار دادن علم و علمی» و «در نظر گرفتن انواع دلالت‌ها» می‌پردازند به محور دوم اختصاص دارند. قواعد یادشده، ده‌ها قاعده فرعی درون خود دارند که راهنمای، قرآن‌پژوهان در فهم روشمند و دقیق آیات الهی هستند.

در پایان بحث از قواعد تفسیر، به تذکاری مهم پرداخته شده که همان پرهیز کردن از پرداختن به معانی بطنی به عنوان تفسیر است.

درس‌های سیزدهم و چهاردهم، که سومین محورند، به منابع تفسیر اختصاص یافته‌اند و در آنها از «قرآن»، «منابع روایی»، «منابع لغوی»، «منابع تاریخی»، «داده‌های عقلی» و «دستاوردهای تجربی» به عنوان مهم‌ترین منابع تفسیر سخن به میان آمده است.

محور چهارم که در باب علوم مورد نیاز مفسر است، در درس‌های پانزدهم تا هفدهم مطرح شده و علوم ادبی (لغت، صرف و نحو)، علوم بلاغی (معانی و بیان)، علوم قرآنی، علم کلام، علم اصول فقه، علم رجال و درایه، علوم تجربی طبیعی و علوم انسانی را بررسی می‌کند.

و سرانجام در بخش نهایی کتاب و درس هجدهم. بر «شرایط مفسر»، توجه شده و درباره «استعدادها و آمادگی‌های ذاتی»، «بینش‌ها و شناخت‌ها»، «مهارت‌ها»، «حالت‌ها و روحیه‌ها» و «رفتارها»ی مفسر که در فهم آیات اثر می‌گذارد، بحث و بررسی می‌کند.

سعی بر آن بوده که ساختار درس‌ها با توجه به ویژگی‌های متون درسی تنظیم شود؛ از این‌رو، درس‌ها از بخش‌های «پیش‌سازمان‌دهنده»، «اهداف درس»، «متن اصلی»، «خلاصه درس»، «پرسش‌های درس»، «برای مطالعه بیشتر» و در موارد خاص «برای تأمل بیشتر» یا «برای پژوهش» تشکیل شده است.

محمود رجبی

درس اول

تفسیر و تأویل

با فراگیری دقیق این درس انتظار آن است که بدانید:

۱. معانی لغوی و کاربرد قرآنی واژه تفسیر چیست؟

۲. جامع‌ترین تعاریف تفسیر کدام است و چه نواقصی دارد؟

۳. معانی لغوی و کاربردهای قرآنی واژه تأویل کدام‌اند؟

٤. تفاوت واژه تفسیر و تأویل و تأویل و تفسیر قرآن در چیست؟

عن جابر بن یزید قال: سألت اباجعفر علیه السلام عن شیء من التفسیر فأجابنی ثم سألته عنه ثانیة فأجابنی بجواب آخر، فقلت کنت اجبتنی فی هذه المسئلة بجواب غیر هذا؛ فقال: یا جابر، إن للقرآن بطناً و له ظهرٌ؛[1] جابر می‌گوید: از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه‌ای سؤال کردم، آن حضرت به من پاسخی داد، پس از چندی برای بار دوم از تفسیر همان آیه پرسیدم و آن حضرت پاسخ دیگری به من داد. عرض کردم: [پیش از این] در مورد این سؤال پاسخی دیگر بیان فرمودید. امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر به‌راستی که قرآن باطن و ظاهری دارد.

نخستین مبحث مقدماتی در روش‌شناسی تفسیر قرآن، آگاهی از معنا و مفهوم واژهٔ تفسیر و واژگان نزدیک به آن است، تا مرز تفسیر از دیگر امور مربوط به دریافت معارف قرآنی، به‌درستی بازشناخته شود و ابهام، همپوشانی و اشتراک، رهزن فهم درست نگردد. در این درس به بررسی مفهوم لغوی، کاربرد قرآنی و معنای اصطلاحی واژه‌های تفسیر و تأویل و تفاوت مفهومی این دو می‌پردازیم.

---

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۱۴۲.

۱. مفهوم لغوی و کاربرد قرآنی تفسیر

«تفسیر» از ریشهٔ «فسر» گرفته شده و فسر به معنای بیان، توضیح دادن و کشف و آشکار شدن، یا آشکار ساختن معنا یا امر پنهان آمده است.[۱] برخی، واژه «تفسیر» را مرادف «فسر»[۲] و برخی مبالغهٔ آن دانسته‌اند،[۳] ولی بیشتر لغت‌شناسان، تفسیر را به کشف و شرح معانی الفاظ و عبارت‌ها اختصاص داده‌اند.[۴] می‌توان گفت با توجه به این نکته که تفسیر مصدر باب تفعیل است، مفهوم مبالغه نیز در آن نهفته و معنای آن، به‌خوبی آشکار نمودن معانی الفاظ و حقایق پنهان است.

واژه تفسیر در اثر کثرت استعمال در تفسیر قرآن، در عرف دانشمندان علوم دینی بلکه همه مسلمانان به معنای شرح آیات قرآن کریم است.

واژه تفسیر در قرآن کریم تنها یک‌بار در آیهٔ سی و سومِ سورهٔ فرقان به کار رفته است. در این آیه، خداوند متعال پس از ذکر برخی شبهه‌های کافران و پاسخ به آنها می‌فرماید: «وَلَايَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا؛ و هیچ مثلی برایت نیاورند مگر آنکه حقیقت [مسئله] و بهترین تبیین [آن] را برایت [فرود] آوردیم».

واژه تفسیر در این آیه مانند بیشتر واژه‌های قرآنی در همان معنای لغوی، یعنی کشف و بیان به کار رفته است.[۵]

---

۱. ر.ک: جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه؛ ابن‌منظور، لسان العرب؛ طریحی، مجمع البحرین؛ صفی‌پور، منتهی الارب؛ ابن‌فارس، ترتیب مقاییس اللغه؛ فیومی، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر؛ خوری شرتونی، اقرب الموارد؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن.

۲. ر.ک: ابن‌درید، جمهرة اللغه.

۳. ر.ک: راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن؛ فیومی، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر؛ طریحی، مجمع البحرین؛ خوری شرتونی، اقرب الموارد.

۴. ابن‌منظور، لسان العرب؛ فیروزآبادی، قاموس المحیط؛ طریحی، مجمع البحرین؛ خوری شرتونی، اقرب الموارد؛ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس؛ صفی‌پور، منتهی الارب مخالفة العرب.

۵. هرچند «معنا و مفاد» نیز در برخی تفسیرها در توضیح واژه «تفسیر» در آیه شریفه، ذکر شده است، ولی به دلیل آنکه این معنا، مجازی است و قرینه‌ای بر آن وجود ندارد معنای لغوی این واژه در آیه شریفه مناسب‌تر به نظر می‌رسد چنان که بیشتر مفسران مطرح کرده‌اند (ر.ک: طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج۹، ص۳۸۸؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج۳، ص۳۳۵؛ تفسیر نسفی، ج۱، ص۶۸۴؛ خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص۲۰۷؛ فرّاء بغوی، معالم التنزیل، ج۳، ص۳۶۸؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۷، ص۲۹۶؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج۱۹ ص۱۶؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، ج۳، ص۲۷۹؛ ابوحیان اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ج۹، ص۱۰۴؛ شبّر یا رشید رضا، تفسیر القرآن الکریم، ص۳۵۰؛ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج۴، ص۲۱۷؛ قمی مشهدی، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج۹، ص۳۹۴ و ۳۹۵؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج۷، ص۴۸۹.

۲. معنای اصطلاحی تفسیر

در کتاب‌های تفسیر و علوم قرآن، واژه تفسیر با دو رویکرد، مورد توجه قرار گرفته و تعریف شده است؛ برخی، تفسیر را یک علم (منظومهٔ معرفتی) در نظر گرفته‌اند و برخی آن را یک تلاش فکری دانسته‌اند. آنچه در این کتاب در نظر است، تفسیر به عنوان یک تلاش فکری است. از میان تعریف‌های فراوانی که درباره تفسیر، به عنوان یک تلاش فکری، ارائه شده، به بررسی دو تعریف راغب اصفهانی و علامه طباطبایی که کامل‌تر از تعریف‌های دیگر است، می‌پردازیم.

۱. راغب اصفهانی (۵۰۲ـ۵۶۵ق): «تفسیر، در عرف دانشمندان، کشف معانی قرآن و بیان مراد آن است، خواه به جهت مشکل بودن لفظ باشد و خواه به جهتی دیگر و خواه برحسب معنای ظاهر باشد و خواه غیر آن».[۱]

بهترین توجیه و تفسیر این تعریف، آن است که مقصود از «کشف معانی»، مفاد استعمالی الفاظ قرآن و مقصود از «بیان مراد»، تعیین مراد جدی خداوند از عبارت‌های قرآن باشد و عبارت «خواه به جهت مشکل بودن لفظ باشد و خواه به جهتی دیگر» قید برای «کشف معانی» و مقصود، آن است که روشن نبودن معانی و مفاد استعمالی، گاه به علت مشکل بودن لفظ و گاه به علل دیگر است. عبارت «خواه برحسب معنای ظاهر باشد و خواه غیر آن» نیز قید برای «بیان مراد» است؛ بدین معنا که کشف مراد جدی خداوند، خواه طبق معنای ظاهر باشد، یا برخلاف معنای ظاهر، در قلمرو تفسیر قرار دارد.

طبق این توجیه، راغب اصفهانی به دو مرحله‌ای بودن تفسیر (کشف معنای استعمالی و بیان مراد جدی خداوند) توجه داشته است و این، از امتیازهای این تعریف به شمار می‌آید.

ولی اینکه راغب از این تعریف همین توجیه و تبیین را در نظر داشته، مورد تردید است و توجیه‌ها و تفسیرهای دیگری می‌تواند مطرح شود که براساس آنها، این تعریف مشتمل بر نواقص متعددی خواهد بود.[۲]

---

۱. «ان التفسیر فی عرف العلماء کشف معانی القرآن و بیان المراد، اعم من ان یکون بحسب اللفظ المشکل و غیره و بحسب المعنی الظاهر و غیره» (ر.ک: زرکشی، **البرهان فی علوم القرآن**، ج۲، ص۲۸۵؛ سیوطی، **الاتقان فی علوم القرآن**، ج۲، ص۱۱۹۰).

۲. زیرا بدون این توجیه، این اشکال مطرح می‌شود که مقصود از عبارت: «به حسب معنای ظاهر و غیر آن» چیست؟ اگر منظور از «معنای غیر ظاهر»، معنای باطنیِ غیر قابل دستیابی از راه تفسیر باشد، تعمیم تفسیر به آن صحیح نیست؛ زیرا همان‌گونه که در فرق تفسیر و تأویل توضیح خواهیم داد، قلمرو تفسیر آن قسمت از معانی قرآن کریم

افزون بر این، بر فرض آنکه همین توجیه، مورد نظر باشد، این تعریف به‌روشنی دلالت بر دو مرحله‌ای بودن تفسیر ندارد و فاقد رسایی و گویایی لازم است، در صورتی که یک تعریف کامل باید صریح و روشن باشد.

اشکال دیگر این تعریف آن است که از مبنای تفسیر و روشمند بودن آن غفلت شده، حتی اشاره‌ای به این نکته نشده است که کشف معانی و بیان مراد، بر چه اساس و با چه روشی باید صورت گیرد.

همچنین بهتر بود به جای «معانی قرآن»، معانی آیات قرآن ذکر می‌شد تا تعریف، گویایی و رسایی بیشتری می‌داشت.

۲. علامه طباطبایی (۱۲۸۱ـ۱۳۶۰ش): «تفسیر بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آنهاست».[۱]

«معانی» جمع معناست و واژه معنا، هم در «مفهوم کلام» و هم در «مراد کلام» به کار می‌رود. «مقاصد» جمع مقصد است و مقصد بیشتر دربارهٔ مکانی به کار می‌رود که انسان آهنگ آن را دارد، هرچند به لحاظ معنی هرچه مورد نظر و توجه فرد باشد را دربر می‌گیرد و از آن جمله مقصود و مراد از یک سخن است. واژهٔ «مدالیل» جمع مدلول است و معنا و مراد را شامل می‌شود. با توجه به ذکر این سه واژه در تعریف، به نظر می‌رسد بهترین تبیین آن همان سخن علامه طباطبایی‌ﷺ است که برای تفسیر سه مرحله قائل است: **نخست**، روشن ساختن مفاد واژگان و عبارت‌ها (بیان معانی)، **دوم** پرده برداشتن از مراد جدی خداوند از

است که دلالت آیات کریمه بر آنها به‌خودی‌خود آشکار نیست، ولی می‌توان آن را بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول عرفی محاوره، آشکار کرد؛ اما آن قسم از معانی باطنی که دلالت آیات کریمه بر آنها آشکار نبوده و بر مبنای قواعد زبان عرب و اصول عرفی محاوره نیز قابل تفسیر و آشکار شدن نیست، همان باطن و تأویلی است که تنها خدا و راسخان در علم به آن دانایند و برای آگاهی از آن باید به آنان مراجعه کرد، و تفسیر به شمار نمی‌آید و اگر منظور از «معنای غیر ظاهر» معنایی است که دلالت آیات کریمه بر آنها به‌خودی‌خود آشکار نیست، ولی با تفسیر می‌توان آن را آشکار کرد، در این صورت، تعمیم تفسیر به معنای ظاهر نادرست است؛ زیرا این قسمت از معانی به تفسیر نیاز ندارد و اگر مقصود از «معنای ظاهر» معنایی باشد که لفظ، به‌وضوح بر آن دلالت می‌کند و از جهت ظهور لفظ در آن معنا، مشکلی نباشد، ولی از جهت‌های دیگر، مراد خدای متعال از آن نامعلوم و نیازمند تفسیر باشد و منظور از «معنای غیر ظاهر» معنایی باشد که دلالت لفظ هم بر آن آشکار نیست و از این جهت نیز به تفسیر نیاز دارد، این معنا را کلمه «به حسب مشکل بودن لفظ و غیر آن» افاده می‌کند و عبارت «به حسب معنای ظاهر و غیر آن» توضیح زایدی در تعریف است.

۱. «التفسیر هو بیان معانی الآیات القرآنیة والکشف عن مقاصدها و مدالیلها» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴).

واژگان و عبارت‌های قرآن (کشف مدلول‌ها) و **سوم** پی بردن و کشف هدف و مقصدی که خداوند از انتقال این مرادهای جدی در نظر داشته است (کشف مقاصد). برای مثال، در آیات ناظر به ویژگی‌های بهشت و دوزخ، یا فرشتگان، مفسر باید ابتدا مفاهیم واژگان و عبارت‌ها را در زبان عربی و کاربرد عرفی زمان نزول روشن سازد. در مرحله دوم، به کشف این نکته بپردازد که آیا مراد خداوند نیز از این واژه‌ها و عبارت‌ها همان معانی بوده است و در مرحله سوم، در پی یافتن این موضوع باشد که هدف خداوند از بیان این ویژگی‌ها چیست و چه قصدی داشته است؟

نکتهٔ دیگر در این تعریف، به‌کارگرفتن واژه‌های «بیان» دربارهٔ معانی، و «کشف» در مورد مقاصد و مدالیل است که هر یک از این دو واژه، برای این دو مرحله تناسب کامل دارد؛ زیرا مفسر در مرحله نخست با توجه به کاربردهای عرفی و لغوی، «معانی» را بیان می‌کند، ولی در دو مرحله بعد، او باید حقیقت را «کشف» نماید.

با توجه به نکات یادشده، این تعریف افزون بر نکته‌های مثبت تعریف راغب اصفهانی، امتیازهای دیگری نیز دارد؛ از آن جمله: توجه به مرحله سوم تفسیر، یعنی، به‌کارگیری مناسب واژه‌های بیان و کشف، و تفکیک سه مرحلهٔ بیان معانی و کشف مقاصد و کشف مدالیل؛ ولی به نظر می‌رسد در این تعریف نیز واژگان معانی و مدالیل، برای بیان مقصود دقیق نیستند و چه‌بسا بهتر بود هر یک از واژه‌های مدالیل و معانی به جای دیگری به کار می‌رفت؛ زیرا واژه «مدالیل» با مفاد استعمالی و واژه «معانی» با مراد جدی بیشتر تناسب دارند؛ افزون بر آنکه اشاره‌ای به روش تفسیر و روشمند بودن آن نشده و گویا به روشن بودن آن اکتفا شده است.

۳. تعریف پیشنهادی

با توجه به آنچه گذشت، بهتر است تفسیر این‌گونه تعریف شود: تفسیر، «بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و کشف مراد خداوند و مقاصد الهی از آن، بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول محاورهٔ عقلایی است».[۱]

---

۱. مقصود از «مفاد استعمالی» همان چیزی است که دانشمندان علم اصول فقه آن را «مراد استعمالی» نامیده‌اند. به نظر ما واژهٔ «مفاد» برای ادای این مقصود دقیق‌تر است؛ زیرا آنچه در مراد استعمالی مورد توجه است، مراد گوینده (در اینجا مراد خداوند) از واژگان و عبارات نیست، بلکه معنایی است که الفاظ و عبارات در مقام استعمال آن را افاده می‌کنند.

مقصود از بیان معانی و کشف مراد جدی و مقاصد الهی با توجه بـه آنـچه در تـوضیح تعریف دوم گذشت، روشن است. هدف از افزودن عبارت «بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول محاورهٔ عقلایی» آن است که سه مرحلهٔ یادشدهٔ تفسیر، در صورتی حقیقتاً تفسیر به شمار می‌آید که مفاد استعمالی آیات به استناد قواعد ادبیات عرب به دست آید و با در نظر گرفتن قواعد محاورهٔ عقلایی، مراد جدی و مقاصد الهی کشف شود؛ بنابراین، اگر فـردی براساس حدس و گمان، یا شهود و عرفان، یا روش‌های دیگر به بیان معانی و کشف مدالیل و مقاصد دست یابد، حقیقتاً به تفسیر قرآن نپرداخته است.

۴. معنای لغوی تأویل

تأویل از «اول» به معنای رجوع گرفته شده[۱] و با تـوجه بـه ریشـه آن بـه مـعنای «ارجـاع = برگرداندن»[۲] است. در کتاب‌های لغت برای تأویل معانی فراوانی ذکر شده که می‌توان آنها را در سه دسته قرار داد و به سه معنای جامع بازگرداند:

الف) بازگرداندن چیزی به هدف آن، یا سخنی به مقصود و مراد از آن؛[۳]

ب) تفسیر و بیان مقصود و مراد پنهان از یک شیء یا یک سخن؛[۴]

---

۱. ابن‌اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۱، ص ۸۰ و ۸۱؛ ابن‌منظور، لسان العرب؛ جوهری، الصحاح؛ ابن‌فارس، ترتیب مقاییس اللغه؛ فیومی، المصباح المنیر؛ فیروزآبادی، القاموس المحیط؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۱۴. البته گفتنی است که سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن (ج ۲، ص ۱۱۸۹) و زرکشی در البرهان فی علوم القرآن (ج ۲، ص ۲۸۵) و ذهبی در التفسیر و المفسرون (ج ۱، ص ۱۶) نقل کرده‌اند که تأویل از ریشه «ایالة» به معنای سیاست گرفته شده است، ولی این معنا چندان اعتباری ندارد؛ زیرا اولاً گویندهٔ آن فرد مجهولی است و سخن او در برابر گفتهٔ بزرگان اهل لغت، قابل اعتنا نیست و ثانیاً، «ایالت» خود متعدی است و برای متعدی ساختن آن، بردن به بـاب تفعیل نیازی نیست؛ از این‌رو صیغه تفعیل از آن، در منابع لغوی دیده نشده است.

۲. علی بن محمد جرجانی در التعریفات (التأویل فی الاصل الترجیع و فی الشرع صرف اللفظ عن معناه الظاهر الی معنی یحتمله اذا کان المحتمل الذی یراه موافقاً بالکتاب والسنته... (ص ۶۵)) تأویل را به معنای ترجیع می‌داند که با معنای ارجاع یکی است.

۳. معانی ذیل در این دسته قرار می‌گیرند:
برگرداندن چیزی به هدفی که از آن مورد نظر است (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۸)، ارجاع و برگرداندن کلام از معنای ظاهر به معنای پنهان‌تر آن (طریحی، مجمع البحرین)، نقل ظاهر لفظ از معنای اصلی آن به چیزی که نیازمند دلیل است (ابن‌اثیر، النهایه)، برگرداندن آیه از معنای ظاهر به معنای احتمالی موافق با کتاب و سنّت (زبیدی، تاج العروس).

۴. معانی ذیل در این دسته قرار می‌گیرند:
آشکار ساختن آنچه که یک چیز به آن بازمی‌گردد (جوهری، الصحاح و زبیدی، تاج العروس)، روشن ساختن کلامی

ج) حقیقت یا معنایی که شیء یا کلام به آن بازمی‌گردد.[۱]

با توجه به معانی سه‌گانهٔ برگرفته از مجموع معانی لغوی، به نکته‌های ذیل دست می‌یابیم:

۱. واژه تأویل، در معنای مصدری (معنای اول و دوم) و در معنای وصفی (معنای سوم) به کار می‌رود؛

۲. با توجه به آنکه واژهٔ تأویل، مصدر و از ریشهٔ اَوْل است، روشن می‌شود که معنای اصلی تأویل، معنای نخست است و معنای دوم و سوم، از معانی فرعی آن به شمار می‌آیند؛ زیرا به کار رفتن مصدر (تأویل) در معنای وصفی (معنای سوم) خلاف قاعده اولیه و نیازمند قرینه است و معنای دوم (تفسیر) هم، با ریشه اصلی واژهٔ تأویل چندان تناسبی ندارد؛

۳. واژه تأویل، به سخن و از جمله قرآن که سخن خداست، اختصاصی ندارد و در امور عینی نیز به کار می‌رود؛ از این‌رو، معنای آن اعم از معنای اصطلاحی تفسیر است؛

۴. معنای اول و سوم تأویل، به کلی با معنای تفسیر متفاوت بوده و معنای دوم آن، اخص از معنای تفسیر است؛ زیرا به مقصود و مراد پنهان اختصاص دارد.

۵. کاربردهای تأویل در قرآن

در آیات شریفهٔ قرآن، واژه تأویل هفده‌بار ذکر شده که دوازده‌بار دربارهٔ غیر قرآن و پنج‌بار در مورد قرآن به کار رفته است.[۲] مواردی که واژه تأویل درباره غیر قرآن به کار رفته، یکی از چهار معنای ذیل مورد نظر است:

که معانی آن مختلف بوده و جز با بیانی غیر از الفاظ آن میسر نباشد (فراهیدی، ترتیب کتاب العین)، خبر دادن از معنای کلام (عسکری، معجم الفروق اللغویه، ص۴۳)، تفسیر باطن و خبر دادن از حقیقت مراد (جزایری، فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات، ص۸۸ و ۸۹) تبیین معنای متشابه (زبیدی، تاج العروس)، تعبیر کردن خواب (فیروزآبادی، القاموس المحیط).

۱. معانی ذیل در این دسته قرار دارند:

پایان، سرانجام یک شیء، آنچه که یک شیء به آن بازمی‌گردد (ابن‌فارس، مجمل اللغه)، عاقبت کلام و آنچه که کلام به آن بازمی‌گردد (ابن‌فارس، ترتیب مقاییس اللغه)، معنای پنهان قرآن که غیر از معنای ظاهر آن است (طریحی، مجمع البحرین)، آنچه را که کلام به آن بازمی‌گردد (صفی‌پور، منتهی الارب).

۲. از این پنج مورد، در دو مورد (آل‌عمران، ۷) به اتفاق مفسران قطعاً تأویل قرآن مورد نظر است و در سه مورد (اعراف، ۵۳؛ یونس، ۳۹) طبق نظر مشهور مقصود تأویل قرآن است.

الف) تعبیر خواب و حقیقتی که خواب از آن حکایت دارد و هر کسی نمی‌تواند به آن پی برد؛[۱]

ب) حکمت و اسراری که در کارهای حضرت خضر علیه‌السلام نهفته و مورد نظر بود و برای دیگران و حتی برای کسی مانند حضرت موسی علیه‌السلام، آشکار نبود؛[۲]

ج) حقیقت و سرانجام غذای دو نفر هم‌بند حضرت یوسف علیه‌السلام و چگونگی و ویژگی‌های آن؛[۳]

د) نتیجهٔ کارهای اختیاری انسان و به دیگر سخن، عاقبت و فرجام کار یا چهره دیگر آن، که برای همه‌کس روشن نیست.[۴]

در پنج موردی که واژهٔ تأویل درباره قرآن به کار رفته نیز می‌توان دیدگاه مفسران را در چهار معنای ذیل خلاصه کرد:

یک، معنای حقیقی و منظور واقعی برخی آیات متشابه؛

دو، معنا و معارف باطنی آیات کریمه، اعم از آیات محکم و متشابه؛

سه، مصداق خارجی و تجسّم عینیِ وعد و وعیدهای قرآن کریم دربارهٔ آخرت و دیگر پیشگویی‌های آن؛

چهار، مصادیق برخی آیات کریمه که از دید عرف و افراد عادی پنهان است.

شایان توجه است که نسبت این معانی با یکدیگر اشتراک لفظی نیست، بلکه اشتراک معنوی است؛ یعنی چنین نیست که لفظ «تأویل» برای تک‌تک این معانی به نحو تعیین یا تعیّن وضع‌شده باشد، بلکه همه آنها از مصادیق معنایِ عام است که در هر یک از آن موارد، متناسب با قرینهٔ موجود در آن مورد، در مصداقی از آن مصادیق استعمال شده است و آن

---

۱. در آیات ۳۶، ۴۴، ۴۵ و ۱۰۰ سوره یوسف، این معنا قطعی و مورد اتفاق مفسران است و ظاهر آیات ۶، ۲۱ و ۱۰۱ این سوره نیز همین معناست، ولی در آیه ۳۷ سوره یوسف یکی از دو معنای احتمالی آن تعبیر خواب است (ر.ک: طباطبایی، المیزان و آلوسی، روح المعانی). ذیل آیات یادشده.

۲. در آیات ۷۸ و ۸۲ سوره کهف دوبار واژه «تأویل» به کار رفته است که مقصود، معنای یادشده است.

۳. در آیهٔ شریفه ۳۷ سورهٔ یوسف، طبق نظر مرحوم علامه طباطبایی، تأویل غذا، حقیقت و هویت واقعی غذا و سرانجامی است که بر آن مترتب می‌شود و طبق نظر محمود آلوسی، ماهیت و چگونگی و اوصاف غذا است (ر.ک: طباطبایی، المیزان، ج ۱۱، ص ۱۷۲؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۱۲، ص ۲۴۰).

۴. در آیه ۵۹ سوره نساء و آیه ۳۵ سوره اسراء این معنا اراده شده است، هرچند مفسران عبارت‌ها و واژگان مختلفی برای ادای این مقصود به کار گرفته‌اند (ر.ک: خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان، ج ۵، ص ۴۱۴؛ طوسی، التبیان، ج ۳، ص ۲۳۷، آلوسی، روح المعانی، ج ۵، ص ۶۷؛ محلّی و سیوطی، تفسیر الجلالین، ص ۱۱۵).

معنای عام عبارت است از: «چیزی که شیء (اعم از سخن و غیر سخن) به آن بازمی‌گردد» و این معنا، همان معنایی است که ابن‌فارس دربارهٔ تأویل کلام ذکر کرده[۱] و در دسته سوم معانی لغوی گذشت، و نیز معنای وصفی برگرفته از معنای مصدری راغب برای تأویل بیان است[۲] که در دستهٔ اول معانی لغوی گذشت.

همچنین از این نکته نباید غفلت شود که ممکن است مصداق‌های این معنا، در موارد گوناگون، متفاوت باشند و بعضی از آنها به تبع متعلق خاص، دارای خصوصیتی باشد که مصداق دیگر فاقد آن است؛ پس نباید ویژگی بعضی مصداق‌ها را به مصداق دیگر نسبت داد، مگر آنکه دلیلی غیر از کاربرد واژهٔ تأویل در دست باشد؛ برای مثال، نمی‌توان گفت: چون تأویل رؤیا و کارهای حضرت خضر علیه‌السلام از حقایق خارجی است، پس تأویل قرآن نیز از حقایق خارجی است و از سنخ مفاهیم و مدالیل الفاظ نیست؛ زیرا روشن است که تأویل غیر کلام، مانند رؤیا و کار، از سنخ مفاهیم و مدالیل الفاظ نمی‌تواند باشد؛ ولی این امر موجب نمی‌شود که تأویل کلام هم از مفاهیم نباشد، بلکه ممکن است همچنان که کلام و غیر کلام با یکدیگر تفاوت دارند، تأویل کلام و تأویل غیر کلام نیز متفاوت باشند؛ چه‌بسا رؤیا و کار، چون وجود خارجی دارند، تأویل آنها نیز حقیقت خارجی باشد؛ ولی کلام چون دارای وجود لفظی یا کتبی است و غرض از آن افادهٔ معنا و مفهوم است، تأویل آن از سنخ مفاهیم و مدالیل باشد،[۳] هرچند حقیقت عینی بودن تأویل کلام نیز امری ممکن است.

لازم است یادآور شویم با توجه به اینکه معانی یادشده، از معانی وصفی تأویل و از دسته سوم معناهایی است که در کتاب‌های لغت برای تأویل ذکر شده، می‌توان گفت واژه تأویل در قرآن کریم به معنای مصدری استعمال‌نشده و همه‌جا به معنای وصفی است و ویژگی مشترک آنها، آمیختگی به نوعی خفا و پوشیدگی و نامعلوم بودن برای همگان است. در همه این موارد (خواب و محکیٌ‌عنه آن، کلام و معنای پنهان آن، کلام و مصادیق فوق عرفی آن) دو شیء مربوط به هم وجود دارد که یکی از آنها محسوس و معلوم است و دیگری برای افراد عادی، پوشیده و پنهان بوده و نیازمندِ بیان است، و بین آن شیء محسوس و آن شیء

---

۱. ابن‌فارس، مجمل اللغه «عاقبت کلام و آنچه کلام به آن بازمی‌گردد».

۲. راغب، مفردات، «برگرداندن شیء (چه علم و چه کار) به هدفی که از آن مراد است».

۳. آنچه در متن آمده، به امکان تفاوت تأویل کلام و غیر کلام به لحاظ مفاد این واژه ناظر است و این امر با آن منافات ندارد که دانشمندی به دلیل خاصّ دیگری تأویل قرآن را در حقیقت خارجی منحصر بداند، چنان‌که علامه طباطبایی با توجه به مجموعه‌ای از آیات، به چنین دیدگاهی قائل است.

پنهان، یکی از چهار نوع رابطهٔ حکایت، دلالت، انطباق و ترتّب وجود دارد، ولی این رابطه بر همگان آشکار نیست.

۶. تفاوت تفسیر و تأویل

با توجه به آنچه در معنای تفسیر و تأویل گذشت، واژگان تأویل و تفسیر، به‌کلی از یکدیگر بیگانه نبوده، دارای وجوه اشتراکی هستند؛ هر دو در مورد قرآن و غیر قرآن و کلام و غیر کلام به‌کار می‌روند و طبق برخی معانیِ تأویل، واژه تفسیر شامل تأویل می‌شود، ولی واژگان تأویل و تفسیر به‌طور کلی، و نیز واژگان تأویل قرآن و تفسیر قرآن، وجوه تمایزی از یکدیگر به شرح ذیل دارند:

۶ـ۱. فرق واژه‌های تفسیر و تأویل

۱. تفسیر از واژهٔ «فسر» اشتقاق یافته که در همه معانی آن، نوعی آشکار کردن و رفع ابهام وجود دارد، ولی تأویل، از واژهٔ «اَوْل» به معنای رجوع گرفته شده و نوعی بازگرداندن در آن لحاظ شده است؛

۲. همهٔ معانی تفسیر از یک نوع است و در آنها معنای مصدری آشکار کردن، پرده برداشتن و رفع خفا و ابهام وجود دارد، ولی تأویل، سه معنای متفاوت دارد که تنها یک معنای آن، مترادف تفسیر، یا نزدیک به آن است و دو معنای دیگر، یعنی تأویل به معنای مصدری «بازگرداندن» و معنای وصفی «سرانجام شیء» (**ما یؤول الیه الشیء**)، با معنای تفسیر تفاوت دارند؛ این دو معنا، با معنای ریشه تأویل، (اَوْل) متناسب است و همان فرقی که میان معنای «اَوْل» و «فَسْر» وجود دارد، میان معنای تفسیر و این دو معنای تأویل نیز وجود دارد؛

۳. کاربرد واژه تفسیر به معنای وصفی، رایج و شایع نیست و از این‌رو در معناهایی که اهل لغت برای تفسیر ذکر کرده‌اند، معنای وصفی به چشم نمی‌خورد؛[1] ولی کاربرد تأویل به معنای وصفی، رایج و شایع است و افزون بر آنکه در کتاب‌های لغت، معانیِ وصفی متعدّدی برای آن ذکر شده، در هفده موردی که در قرآن کریم استعمال شده نیز همه‌جا به معنای وصفی است؛

۴. تفسیر، دلالت بر مبالغه دارد، ولی در تأویل، مبالغه‌ای نیست.

---

۱. تنها فیروزآبادی در القاموس المحیط، ج۳، ص ۳۳۱ معتقد است تفسیر و تأویل و معنا مترادف هستند.